

تأثیر کیفیت‌های بصری محیط بر نقاشی دیواری معاصر مشهد سال‌های ۱۳۹۵-۱۴۰۲

فاطمه تیرزه / دانشجوی کارشناسی ارشد نقاشی، دانشکده هنر، موسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران.*
tirzefateme@ gmail.com

چکیده

اطراف نقاشی دیواری، مجموعه‌ای از عوامل و کیفیت‌ها را ایجاد می‌کند و کیفیت بصری محیط اطراف، نقش تعیین‌کننده‌ای در آن دارد. نقاشی دیواری بخشی از محیط است. بنابراین باید سازگار با آن باشد؛ به گونه‌ای که مواد و فناوری‌های مورد استفاده در کار همراه با شکل و مفهوم اثر، رابطه مستقیمی با عوامل بصری و کیفیت ایجاد شده توسط محیط اطراف ایجاد می‌کند. نقاشی دیواری در ارتباط با سه عامل مخاطب، معماری و محیط پدید می‌آید. از میان این عوامل، محیط نقش اساسی در خلق اثر دیواری دارد؛ چراکه مهم‌ترین وجه تمایز نقاشی دیواری از دیگر انواع، شکل یافتن آن تحت تأثیر شرایط و ویژگی‌های محیط است. محیط پیرامون اثر، به‌عنوان یک مجموعه بصری، عوامل و کیفیات گوناگونی را شامل می‌شود که در رابطه مستقیم یا غیرمستقیم با اثر دیواری بوده و شناخت آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش درصدد پاسخ به چگونگی رابطه و تأثیر کیفیت‌های بصری محیط بر نقاشی دیواری است. تبیین تأثیر کیفیت بصری محیط، به‌عنوان یکی از راهکارهای بهبود و ارتقای سطح کیفی نقاشی‌های دیواری در منظر شهری است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. نتایج به دست آمده از مطالعه حاضر حاکی از آن است که ارزیابی کیفیت‌های بصری محیط اطراف، نه تنها به هنرمند کمک می‌کند تا پتانسیل‌های موجود در فضای اطراف را درک کند، بلکه در خلق به هنرمند نیز کمک می‌کند. این نوع ارزیابی، ضمن تقویت آن‌ها، منجر به ایجاد نقاشی‌های دیواری مطلوب‌تر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نقاشی دیواری، کیفیت بصری، محیط، مشهد معاصر.

The Influence of the Visual Qualities of the Environment on the Contemporary Wall Painting of Mashhad in the Years 1395-1402

Fatemeh Tirzeh / Master's student in Painting, Faculty of Arts, Ferdows Institute of Higher Education, Mashhad, Iran.*

tirzehfatemeh@gmail.com

Abstract

A set of factors and qualities are formed by the surrounding environment of the wall painting, and the visual quality plays a significant role in creating it. The mural is an integral component of the surroundings. Therefore, it must be compatible with it; In such a way that the materials and technologies used in the work along with the shape and concept of the work create a direct relationship with the visual factors and quality created by the surrounding environment. The creation of wall paintings involves three factors: audience, architecture, and environment. Among these factors, the environment plays an essential role in creating a wall effect; Because the most important distinguishing feature of wall painting from other types is its formation under the influence of the conditions and features of the environment. The environment surrounding the work, as a visual collection, includes various factors and qualities that are directly or indirectly related to the wall work work, and it seems necessary to know them. The objective of this research is to explore the relationship between wall painting and the visual qualities of the environment. To enhance and enhance the quality level of wall paintings in the urban landscape, it is important to explain the effects of the visual qualities of the environment. The descriptive-analytical method and library information collection method were used in the current research. The results obtained from the present study indicate that evaluating the visual qualities of the surrounding environment not only helps the artist to understand the potential in the surrounding space, but also helps the artist in creating. By strengthening them, this type of evaluation leads to the creation of wall paintings that are more desirable.

Keywords: wall painting, visual quality, environment, contemporary Mashhad.

مقدمه

مهم‌ترین روش‌های بیان هنری انسان در طول تاریخ بوده که بنا بر نیاز انسان و شیوه زندگی وی، روش‌های گوناگونی در طراحی و اجرای آن به کار گرفته شده است. این آثار در گذشته معمولاً در محیط‌های داخلی و در عصر حاضر، با توجه به نیاز روز و تغییر کاربرد آن، اغلب در فضای باز و شهری به کار می‌رود. از این‌رو، عوامل مؤثر در دگرگونی و آسیب آن نیز تغییر یافته است. نقاشی دیواری همواره در ارتباط با محیط، معماری و مخاطب پدید می‌آید. بی‌شک بدون شناخت محیط و مؤلفه‌های تأثیرگذار آن، نمی‌توان ساختاری متناسب و هماهنگ با آن، به لحاظ جنبه‌های بصری، معنایی و تکنولوژی در اثر ایجاد کرد. محیط یک اثر دیواری، مجموعه‌ای از عوامل و کیفیات است که در ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با اثر می‌باشد. بنابراین نقاشی دیواری باید از آن بهره گرفته و با آن هماهنگ شود. از آنجایی که امروزه نقاشی دیواری اغلب در حوزه هنرهای شهری اجرا می‌شود، همواره در معرض نور خورشید، آلاینده‌ها، شرایط جوی، جغرافیایی و فرهنگی محیط قرار دارد. بنابراین به طور قطع، از کیفیت‌های بصری برآمده از این عوامل محیطی تأثیر می‌پذیرد. وسعت استفاده از نقاشی‌های دیواری در منظر شهری و تأثیرپذیری مستمر آن‌ها از کیفیات بصری محیط، ضرورت پژوهش درباره چستی و چگونگی این تأثیر را آشکار می‌سازد. هدف این پژوهش، تبیین تأثیر کیفیات بصری محیط، به عنوان یکی از راهکارهای بهبود و ارتقای سطح کیفی نقاشی‌های دیواری شهر مشهد می‌باشد. پژوهش حاضر با فرض بر آن که توجه به کیفیات بصری محیط و تأثیرات آن، از طراحی ایده تا اجرای اثر، نقش مهمی در ارتقای کیفی نقاشی دیواری خواهد داشت، در صدد پاسخ به این پرسش است که کیفیات بصری محیط محاط‌کننده نقاشی دیواری شهر مشهد چیست؟

پیشینه پژوهش

در پژوهش‌هایی که تاکنون در زمینه نقاشی دیواری صورت پذیرفته، به جنبه‌های متفاوتی همچون تاریخچه و سیر تحول، مضامین و جنبه‌های فنی و قابلیت‌های تکنیکی آن پرداخته شده است، اما در ارتباط با موضوع این مقاله، مطالعات اندکی در قیاس با اهمیت مسئله صورت گرفته است که برخی از مرتبط‌ترین آن‌ها می‌توان اشاره کرد. کفشچیان مقدم در پژوهش‌هایی

به نام «چگونه یک نقاشی دیواری را ساماندهی کنیم» (۱۳۹۵) و «بررسی ویژگی‌های نقاشی دیواری» (۱۳۹۳)، به بیان خصوصیات و قابلیت‌های نقاشی دیواری مشهد و شیوه ساماندهی آن پرداخته است. مقالاتی که به نوعی به رابطه نقاشی دیواری با محیط و مخاطب پرداخته‌اند، مانند فهمی فر و ایمانی (۱۳۹۵) با عنوان «بررسی هماهنگی نقاشی دیواری‌های مشهد با محیط شهری با رویکرد روان‌شناسی گشتالت» است که با روش روان‌شناسی گشتالت به سنجش هماهنگی ده نقاشی دیواری تزیینی با محیط اشاره و به این نتیجه دست می‌یابد که اکثر نقاشی‌های دیواری تزیینی تهران به لحاظ رنگی در تناسب با محیط بوده، اما از نظر فرمی و موضوعی هماهنگی لازم را ندارند.

مقاله «ارزیابی دیوارنگاری معاصر تهران از دیدگاه مخاطب» نوشته کفشچیان مقدم، دارش و رویان، نقاشی‌های دیواری معاصر تهران را با توجه به روابط زیباشناسانه و کارکرد آن در ارتباط با محیط و اهداف اجتماعی و تاریخی، از دیدگاه مخاطبین مورد مطالعه قرار داده است. نتایج این مقاله، ضعف دیوارنگاری‌های تهران در تناسب با محیط، معماری بنا و مخاطب را نشان می‌دهد. همچنین در مقاله «خوانش بصری گرافیک محیطی در فضاهای شهری با تأکید بر نقاشی دیواری» نوشته سجاد زاده، کریمی مشاور و وحدت (۱۳۹۶)، جهت ارزیابی نقاشی‌های دیواری تهران از منظر مخاطبان، مؤلفه‌های موقعیت استقرار، ساختار بصری، محیط و معماری پیرامون نقاشی دیواری به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهد. مقاله «درآمدی بر نقش دیوارنگاره‌ها در هویت شهری انسان‌گرا» از پاکزاد به نقاشی دیواری هنرمندان در شهر مشهد در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ پرداخته است. من در این مقاله، می‌خواهم کیفیت رنگ‌های مصرفی بر روی دیواری‌های مختلف را که از نظر آب و هوایی با هم متفاوت هستند، بررسی کنم.

روش پژوهش

مقاله حاضر، از نظر هدف کاربردی است. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و گردآوری اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است، اما برخی مستندات تصویری منطبق بر تحلیل مؤلفه‌های پژوهش، از منابع اینترنتی و عکس‌های میدانی تأمین شده است. این نمونه‌ها اغلب فاقد اطلاعات دقیق از جمله مشخصات اثر و هنرمند می‌باشند، ولی به عنوان نمونه‌های منتخب مناسب هستند.

نقاشی دیواری

نقاشی دیواری یا دیوارنگاری، هر نوع نقاشی است که مستقیماً بر روی دیوار ترسیم می‌شود و تفاوت آن با نقاشی سه‌پایه، تناسب نقاشی با معماری و فضای اطراف خود است (کفشچیان مقدم، ۱۳۸۳: ۶۹). نقاشی دیواری تحت‌تأثیر شرایط و ویژگی‌های محیط شکل می‌یابد و هنرمند ملزم به رعایت ضوابطی است که محیط بر اثر تحمیل می‌کند. محیط به معنای احاطه‌کننده و فراگیرنده است. منظور از محیط در رابطه با نقاشی‌های دیواری، مجموعه عواملی است که در پیرامون دیوار وجود دارد؛ اعم از عناصر و کیفیات بصری که شامل عناصر قابل رؤیت و ویژگی‌های غیرقابل رؤیت است.

شرایط مرز و بوم، یک مفهوم است و می‌توان آن را وضعیت آب و هوا در یک محیط خرد و کلان دانست. هر منطقه شرایط جغرافیایی محیط طبیعی و مصنوعی به وجود می‌آورد. از آن جایی که دیوارنگارهای شهری باید در ارتباط با محیط بیرونی ارائه شوند، شناخت وضعیت آب و هوایی منطقه مانند مشهد که در اصطلاح آن را اقلیم می‌نامند، ضروری به نظر می‌رسد؛ به ویژه در کشور ما که از تنوع شرایط اقلیمی برخوردار است. هر اقلیم، تأثیری متفاوت بر دیوارنگارها دارد. از این‌رو توجه هنرمند به مشخصات حوزه‌های اقلیمی در مناطق مختلف، اهمیت فراوانی در اجرای آثار متناسب با اقلیم هر منطقه دارد. شرایط اقلیمی محیط در این موارد قابل بررسی است: گرما، سرما، رطوبت‌پذیری، تغییرات جوی فصول، شدت باد و باران و شدت تابش آفتاب که البته در توجه به عوامل جوی منطقه، باید شرایط دائمی و درازمدت در نظر گرفته شود.

تأثیر شرایط آب و هوای محیط بر فن‌آوری و ماندگاری نقاشی دیواری

بیشترین تأثیرپذیری از شرایط اقلیمی در دیوارنگارها، در انتخاب مترتال اثر و تکنیک اجرای آن و مقاومت تکنولوژی به‌کاررفته در برابر عوامل آب و هوایی می‌باشد. این امر ایجاب می‌کند از مواد و مصالحی در دیوارنگارها استفاده شود که با اقلیم ناحیه هماهنگ و در برابر شرایط جوی آن مقاوم باشد. بنابراین به‌کارگیری همسازي اثر و محیط، به معنای استفاده از مصالح و تکنولوژی سازگار با اقلیم منطقه‌ای، از ضروریات یک دیوارنگار پایدار می‌باشد. به طور مثال، لازم است که در مناطق مرطوب، مواد و مصالح رطوبت‌ناپذیر به کار گرفته شود تا در برابر رطوبت و خوردگی حاصل از آن مقاوم باشد؛ این در حالی است که می‌توان با انتخاب

آگاهانه مصالح همسان با محیط، از ویژگی‌های آب و هوایی هر منطقه، به نفع اثر بهره برد. در این مورد، می‌توان به خلق دیوارنگاره با روینده‌های گیاهی اشاره کرد که پس از بررسی کیفیت سازش آن با شرایط اقلیمی و جوی، می‌تواند انتخاب بسیار مناسبی برای محیط‌های رطوبت‌پذیر باشد (تصویر ۱).



تصاویر ۱ و ۲: نمونه نقاشی دیواری در شهر مشهد / رویش گیاه روی دیوار، (pinterest.com)

بررسی تأثیر عوامل آب و هوایی در مناطق چهارگانه اقلیمی نشان می‌دهد که جهت قرارگیری دیوار، در اثرپذیری از میزان دریافت ریزش‌های جوی و نور خورشید نقش اساسی دارد. با توجه به این‌که دو عنصر محیطی رطوبت و تابش خورشید در کیفیت بصری و ماندگاری نقاشی دیواری بسیار مهم می‌باشد، لازم است که جهت جغرافیایی در دیوار، به‌منظور مکان‌یابی بستر دیوارنگاره مورد توجه واقع شود. البته در مناطق معتدل، بدین علت که تابش آفتاب و وزش باد و بوران به مراتب کمتر است، آزادی بیشتری در انتخاب دیوار وجود دارد، اما در مناطق سردسیر و گرمسیر که از تابش آفتاب سوزان و یا شدت سرمای شدید برخوردار است، توجه به جهت دیوار ضروری می‌باشد.

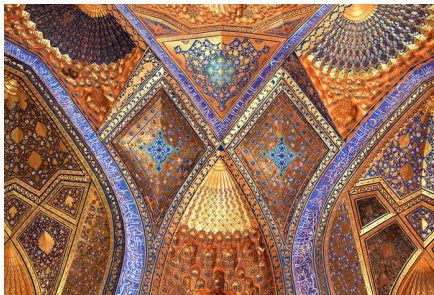
در مجموع، می‌توان گفت که شرایط اقلیمی، پایداری دیوارنگاره را به‌واسطه تأثیر بر بستر آن، متریال اثر و تکنولوژی ایجاد آن، تحت تأثیر قرار می‌دهد و عدم توجه به آن، آسیب جدی بر کیفیت و ماندگاری دیوارنگاره وارد خواهد کرد.

بدین صورت که استفاده غیر کارشناسانه از مواد و تکنیک نامتناسب با شرایط آب و هوایی و در نظر نگرفتن جهت جغرافیایی دیوار، آثار را دچار عوارضی از جمله پوسیدگی، ورقه ورقه شدن و رنگ پریدگی خواهد نمود؛ این تخریب زود هنگام خود موجب آلودگی بصری شهر می‌شود (تصویر ۲).

تأثیر شرایط فرهنگی و فضای هویتی محیط بر نقاشی دیواری

از نظر شرایط فرهنگی و فضای هویتی محیط، فرهنگ شهر، «مجموعه باورها، دانش‌ها، معارف، آداب و رسوم و ارزش‌هایی است که جامعه‌ای بر مبنای اعتقادات خود آن را تکامل بخشیده و بر اساس آن زندگی می‌کند» (نقی زاده، ۱۳۹۵). در بطن هر جامعه انسانی، نظام فرهنگی خاصی برقرار است که به نوعی برخاسته از هویت آن جامعه است. هویت یک محیط نیز، حاصل ویژگی‌های بارز آن محیط می‌باشد که این ویژگی‌ها از عواملی چون پیشینه تاریخی و فرهنگی آن منطقه، وجود ساختمانی با کاربری خاص و یا وقوع رویدادی خاص در آن حاصل می‌شود.

خاستگاه اجتماعی نقاشی دیواری، که با هدف ارتباط عمومی با مخاطب طراحی و تولید می‌شود و همچنین لزوم هماهنگی آن با محیط ایجاب می‌کند که هنرمند به ساختارهای فرهنگی و هویتی محیط توجه فرم‌های بومی و تاریخی در دیوارنگاره‌های شهری، هم سطح کیفی تعامل اثر و هم کیفیت منظر را در فرم‌های بومی و تاریخی در دیوارنگاره‌های شهری، هم سطح کیفی تعامل اثر و همچنین کاربرد صحیح این نشانه‌های تصویری، می‌تواند حس تناسب بین اثر دیواری و محیط را نیز ارتقاء دهد. مساجد ایرانی را می‌توان به عنوان نمونه کاملی از برقراری مطلوب حس هویت مکانی نام برد (تصویر ۳). در مساجد ایرانی، با تأکید بر عینیت بخشیدن به روح معنوی مکان، مجموعه‌ای از اصول و ضوابط ملموس (اعم از شکل، رنگ، مصالح و نقش) در سازماندهی کالبد مسجد به کار گرفته شده است. محصولش مکانی معنادار، با هویتی روشن، خوانا و به یادماندنی است که به راحتی توسط مخاطب ادراک می‌شود (تولایی و پدوند، ۱۳۷۸: ۴۲).



تصویر ۳: مسجد گوهر شاد مشهد، (pinterest.com)

از سویی، جنبه‌ای از زیبایی‌شناسی دیوارنگاره‌ها نیز در گرو ارتباط آن با هویت مکان می‌باشد؛ بدین دلیل که «ترجیحات زیبایی‌شناختی را نمی‌توان جدا از بررسی مفاهیم ذهنی افراد نسبت به مکان دانست؛ چراکه

ادراک زیبایی همراه با عواطف شخصی و پیش‌زمینه ذهنی فرد در ارتباط است» (خاکزند، ۱۳۹۳: ۱۸). این ادراک ذهنی که فرد با قرار گرفتن در یک محیط تجربه می‌کند، در اصطلاح «حس مکان» می‌نامند. «حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد ... از مفاهیم فرهنگی موردنظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود» (فلاح، ۱۳۹۵). هنرهای شهری می‌توانند حس مکان را در شهر ارتقاء داده و آن را در شهروند ایجاد کند. «هویت یافتن یک اثر دیواری با معانی نمادین محیط، احساس تعلق مردم را نسبت به آن مکان افزایش می‌دهد» (لنگ، ۱۳۹۵). با این تعاریف، می‌توان گفت دیوارنگارهای شهری، در صورت اثرپذیری از هویت مکان‌آفرینی خود، قادر به تقویت حس مکان در مخاطب خواهند شد. در تاریخ هنر دیوارنگاری نیز آثاری که با فرهنگ و هویت محیط در پیوند بوده‌اند، همواره برای مخاطب ملموس‌تر و در نتیجه موفق‌تر بوده‌اند. از جمله، آثار دیه‌گوریو با انتخاب موضوعی تاریخی از مکزیک، گزینش شخصیت‌های مشهور مکزیک، انتخاب نمادها و نشانه‌های بومی و منطقه‌ای و بالاخره تیپ‌سازی و فضا‌سازی بومی توانسته به فضای فرهنگی مخاطب نزدیک شود (تصویر ۴).



تصویر ۴: رویای یک بعد از ظهر یکشنبه در پارک آلامادا، دیه‌گوریو، سالن اصلی پلاذو در پارک مرکزی مکزیک، فرسک، ۱۹۴۷م، حدود ۶۰۰ متر مربع، (pinterest.com)

شرایط فرهنگی و هویتی محیط نیز در رابطه‌ای دوسویه، می‌تواند توسط قابلیت‌ها و ظرفیت‌های دیوارنگاره ارتقاء یابد. «از آن جایی که آثار هنری می‌توانند محیط را واجد صفت سازند، در شکل‌دهی به منظر فرهنگی شهرها، نقش کلیدی دارند» (زنگی، ۱۳۹۵: ۴۵)؛ بدین صورت که نقاشی‌های دیواری، در صورت رعایت ارزش‌های فرهنگی، می‌توانند با اعمال اثر بر سیمای شهر بر لایه‌های ذهنی مخاطب تأثیر گذاشته و به تثبیت یا تقویت فرهنگ عمومی

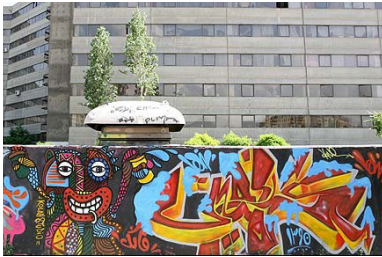
جامعه کمک کنند.



تصویر ۵: نقاشی دیواری مشهد، خیابان عبادی ۱۱، اجرا فاطمه تیرزه، (نگارنده)

این در حالی است که «عدم سازگاری یک اثر هنری با فرهنگ عمومی، باعث می‌شود مکانیسم ساخت فرهنگ در یک مجموعه شهری و در نهایت، در یک کشور مختل شود» (اسکندری، ۱۳۹۵)؛ به طور مثال، اجرای شخصیت‌هایی که نسبتی با فرهنگ محیط نداشته در عین اینکه به لحاظ

زیباشناسی و تکنیک قابل قبول باشد، به فضای فرهنگی و هویتی مکان لطمه وارد می‌کند (تصویر ۶).



تصویر ۶: نقاشی دیواری گرافیتی، دیواره‌های زمین ورزش فاز سه شهرک اکباتان، (fardanews.com)

لینچ در مقاله‌ای تحت عنوان «طرح شهر، نما

و ظاهر شهر»، معیارهایی برای تعیین نما و ظاهر خوب، بر پایه روان‌شناسی تعیین می‌کند که عبارتند از: تهییج، تنوع، قابلیت‌شناسی، خاطره‌انگیزی، سرزندگی، هویت، تصورپذیری، خوانایی، انعطاف‌پذیری، سادگی، وضوح، چیرگی بخشی از فرم، تطابق با محیط، معنی‌داری در میان هنرهای شهری. «با توجه به این که خوانش عنصر معنا از طریق تصویر ساده‌تر و عمومی یافته‌تر از فهم آن از طریق حجم و فرم معماری است و شهروندان را در دریافت و شناخت هویت فرهنگی و اجتماعی محیط و در نتیجه، سازماندهی ذهنی منظر شهری یاری می‌کند، می‌توان دیوارنگاری شهری را عاملی مؤثر برای معنابخشی به فضا و درک بهتر آن توسط شهروندان دانست» (زنگی، ۱۳۹۵)، اما برای تحقق این امر، هنرمند ملزم به شناخت مؤلفه‌های تعیین‌کننده محیط به لحاظ کارکرد و معنا می‌باشد؛ چراکه هر محیط بر اساس

تشخص و عملکرد خویش، شیوه و فرم خاص خود را در ایجاد دیوارنگاره می‌طلبد؛ بدین معنا که هر شهر، با توجه به ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و زیباشناسی خود، از نیازهای بصری ویژه‌ای برخوردار است و تصاویر و مفاهیم متناسب با خود را می‌پذیرد.

موقعیت جغرافیایی دیوار در مشهد

دیوارنگاره در یک موقعیت خاص از جغرافیای محیط واقع شده است و در ارتباط با شرایط آن مشاهده و دریافت می‌شود. بنابراین نسبت دیوارنگاره با وضعیت مکانی و جهت جغرافیایی منطقه، با میدان و زاویه دید مخاطب و همچنین با خط افق و شیب حاکم بر میدان دید منطقه قابل توجه است. بررسی این روابط، نقش مهمی در ایجاد هماهنگی بصری میان نقاشی دیواری و شرایط جغرافیایی محیط دارد. خط افق محیطی که جغرافیای محیط آن را بر دیوار تحمیل می‌کند، باید همواره در طراحی مورد توجه قرار گیرد؛ به گونه‌ای که خط افق نقاشی دیواری باید متناسب با افق دید دیوار در محل باشد؛ بدین معنا که خط افق تصویر بر اساس موقعیت مخاطب نسبت به دیوار لحاظ شده و فرم‌ها با توجه به آن طراحی شوند، اما در بسیاری از آثار، این موضوع نادیده گرفته شده و این عدم هماهنگی، موجب تخریب بصری زیباشناختی بنا و فضای معماری و همچنین آزار بصری در نگاه مخاطب شده است. شیب جغرافیایی محیط نیز در صورت وجود، باید سنجیده و لحاظ شود. به عنوان مثال، تهران یک شهر کوهپایه‌ای است و منظر شهری از جنوب به شمال و شمال به جنوب به طور کامل متفاوت است؛ بدین معنا که میدان خوانش محور جنوب به شمال تهران شیب ۵ تا ۱۳ درصدی دارد. اگر قرار باشد دیوارنگاره در آن کار شود، باید خط افق و شیب جغرافیایی در نظر گرفته شود؛ چنانچه وجود شیب در مکان‌یابی و ارائه طرح برای فضاهای شیب‌دار در نظر گرفته نشود، عدم انطباق خط افق نقاشی دیواری با خط افق محیط را موجب می‌شود که در نتیجه، تصویر نهایی به لحاظ بصری برای مخاطب ناخوشایند خواهد بود.

شرایط نور حاکم بر محیط

نورها به لحاظ کیفیت انتشار، شدت و ضعف، رنگ، تأثیرات شیمیایی و قابلیت‌های کاربردی و بصری قابل بررسی هستند. در تقسیم‌بندی کلی، بر اساس منشأ تابش، نور خورشید را نور طبیعی و نور حاصل از نورپردازی‌های دیگر را نور مصنوعی می‌نامیم. نور محیط، اعم از

طبیعی و مصنوعی، به شکل‌های متنوعی بر دیوارنگاره‌ها اثر گذار است. نور کافی موجب دیده شدن کامل اثر می‌شود و می‌تواند بر جلوه و درخشش رنگ‌ها بیفزاید و کیفیت بصری بافت دیوارنگاره‌ها را تقویت کند. قادر است با قابلیت تولید جلوه‌های بصری متنوع، موجب تأکید بر قسمتی خاص از اثر شود. همچنین می‌تواند عوارضی از جمله رنگ پریدگی را ایجاد کند. در تأثیرگذاری نور بر دیوارنگاره‌ها، آن‌چه که نور مصنوعی را از نور طبیعی متمایز می‌کند، قابلیت کنترل آن است. این ویژگی می‌تواند در جایگاه خود بسیار مفید واقع شود. به واسطه این قابلیت، نور مصنوعی، در شب نیز می‌تواند جلوه‌های بصری بر آثار دیواری ایجاد کند؛ هر چند که بر خورداری از نور طبیعی خورشید برای دیده شدن اثر ضروری می‌باشد، اما باید به میزان تابش، زاویه و شدت آن نیز توجه شود. همچنین توالی و دگرگونی آن در ساعات مختلف روز اهمیت دارد. موقعیت دیوارنگاره در فضای باز، باید به‌گونه‌ای باشد که زاویه تابش خورشید، نورهای انعکاسی، بازتاب‌ها و سایه‌های ایجاد شده بر آن، موجب آزار چشم مخاطب نشود، بلکه احساس مطلوبی را القاء کند. نور طبیعی، کیفیت‌های بصری متفاوتی در جهت‌های جغرافیایی متفاوت، بر دیوار و دیوارنگاره وارد می‌کند؛ بدین گونه که می‌توان آن را بر اساس زاویه تابش به نور شمالی، جنوبی، غربی و شرقی تقسیم کرد. دیوارهایی که رو به شمال هستند، نور مستقیم دریافت نمی‌کنند. ساعات بیشتری از روز در سایه قرار داشته و از شدت تابش کم‌تری برخوردارند. نور تابیده شده از شمال بر دیوارنگاره‌ها، پراکنده، بدون سایه و انعکاس بوده و به اصطلاح سرد است. دیوارهای رو به جنوب در تمام مدت روز از نور خورشید بهره می‌برند و تنها در اقلیم متفاوت و فصول مختلف، کیفیت و میزان آن اندکی تغییر می‌کند. به طور معمول، در گرم‌ترین ساعات روز، نور به شدت به این دیوارها می‌تابد، تا حدودی که چشم مخاطب آزاده می‌شود. نور جنوبی، سایه و انعکاس ایجاد کرده و به لحاظ جلوه‌های بصری و بازی با سایه‌ها و حجم‌ها بر دیوارنگاره‌ها بسیار تأثیر گذار است. در دیوارهای رو به غرب، نور غربی حاکم است. شدت تابش این نور ضعیف و زمان تابش آن کوتاه است، اما انعکاس‌ها در آن همچنان وجود دارند. نور غربی درخشش ایجاد کرده و رنگ‌ها در آن به زردی می‌گرایند. دیوارهای رو به شرق، تنها در چند ساعت اولیه صبح از نور کافی برخوردارند و به سرعت سایه‌ای بلند و طولانی مدت بر آن‌ها حاکم شده و در طی روز دیگر بهره‌ای از نور ندارند. نور شرقی در زمان‌های معینی از صبح، از دور سایه اجسام را تولید می‌کند که اگر هنرمند موقعیت سایه‌اندازها و نقش سایه بر اثر دیواری را لحاظ نکرده باشد، آسیب

زننده خواهد بود، اما چنانچه هنگام ایده‌پردازی این کیفیت به کار گرفته شود، می‌تواند عاملی برای تزیین اثر باشد. در نهایت، می‌توان گفت گسترش دیوار در طول محور شرقی - غربی، مناسب‌ترین حالت به لحاظ بر خور داری از نور با شدت مناسب می‌باشد.

فضای رنگی حاکم بر محیط

هر محیط شامل مجموعه‌ای از فضاها، حجم‌ها و سطوح رنگی گوناگون است که به واسطه آن‌ها از حاکمیت رنگی خاص خود برخوردار می‌شود، اما حضور رنگ‌مایه‌های خاص در محیط‌های باز و در سطح گسترده‌تر در شهرها، تابع عامل اقلیم نیز می‌باشد. به عنوان مثال، در شهرهای اقلیم گرم و خشک ایران (همانند یزد و کرمان)، رنگ‌های گرم روشن، زردها و قهوه‌ای‌ها حاکم بوده و این به وضوح در معماری آن منطقه نیز قابل مشاهده است. همچنین شهرهای همانند شهر مشهد و تهران نیز حاکمیت رنگ‌های خاکستری و خنثی مشاهده می‌شود. فضای رنگی نقاشی دیواری در هماهنگی با محیط به کیفیت زیباشناختی مطلوب دست می‌یابد. لزوم ایجاد این هماهنگی ایجاب می‌کند که دامنه رنگ‌های به کار رفته در اثر، از حاکمیت رنگ محیط تأثیر بپذیرد؛ همان‌گونه که ایتن می‌نویسد «مجموعه‌ای هماهنگ به نظر عام، آن‌هایی هستند که بدون کنتراست شدید در کنار هم قرار گرفته باشند» (ایتن، ۱۳۸۰: ۲۴)؛ این در حالی است که بسیاری از دیوارنگاره‌های شهری به لحاظ رنگ در تعارض و کنتراست بالا با رنگ حاکم بر منظر شهری می‌باشند. در دهه‌های اخیر، به کارگیری رنگ با سطح نازل کیفیت، هارمونی و نشانه‌شناسی در نقاشی‌های دیواری، چهره شهرها را بیش از پیش دچار اغتشاش بصری کرده است. نمونه این ناهماهنگی در به کارگیری رنگ‌های تند با کنتراست بالا در کنار رنگ‌های خنثی و خاکستری محیط دیده می‌شود، اما کاربرد رنگ‌های آرام و خاکستری‌های رنگین، در تعامل با رنگ‌های حاکم بر محیط، ایجاد هارمونی بصری کرده است.

نتیجه

نقاشی‌های دیواری شهر مشهد، ضمن حفظ عناصر بنیادین هنری، تابعی از محیط حاکم بر دیوار و کیفیات بصری وابسته به آن است که در تکنولوژی، فرم و محتوا نیز باید با آن محیط در تناسب باشد. کیفیات‌های بصری محیط هر یک ویژگی‌ها و محدودیت‌هایی دارند

و بسته به شرایط دیوار، تأثیرات قابل توجهی بر فرآیند طراحی و اجرای دیوارنگاره‌ها خواهند گذاشت. شرایط اقلیمی به واسطه آب و هوا بر تکنولوژی و پایداری نقاشی دیواری اثرگذار است. فضای فرهنگی و هویتی حاکم، در محتوا و سطحی کیفی تعامل اثر با مخاطب نقش تعیین‌کننده دارد. موقعیت جغرافیایی اعم از خط افق و شیب حاکم، بر خوانش اثر نسبت به میدان دید مخاطب تأثیرگذار است. همچنین حاکمیت رنگ محیط، با وجه زیباشناختی در فضای رنگی دیوارنگاره در ارتباط است. شرایط نوری نیز جلوه‌های بصری نقاشی دیواری و کیفیت ماندگاری آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این‌رو، بررسی کیفیت‌های بصری محیط، ضمن دستیابی هنرمند به قابلیت‌های موجود در فضای محاط‌کننده اثر و به فعلیت درآوردن آن‌ها، موجب می‌شود که آثار دیواری در تناسب و هماهنگی با محیط خلق شوند و در نگاه کلی، به تولید آثار دیواری مطلوب‌تر و ارتقای سطح کیفی آن‌ها می‌انجامد.

منابع

- تولایی، نوین و بدون، شادان. (۱۳۹۶). «آشنایی با ویژگی‌های فضایی- مکانی مسجد در ایران: آموخته‌هایی از نمونه‌های ماندگار گذشته». مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده. ج ۲. تهران: دانشگاه هنر. ۳۶-۴۲.
- پوردیهمی، شهرام. (۱۳۹۹). زبان اقلیمی در طراحی محیطی پایدار: کاربرد اقلیم‌شناسی در برنامه‌ریزی و طراحی محیط. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- خاکزید، مهدی و همکاران. (۱۳۹۵). «شناسیایی عوامل مؤثر بر طراحی بدنه‌های شهری؛ با تأکید بر ابعاد زیبایی‌شناسی و زیستی محیطی (نمونه موردی: خیابان ولیعصر (عج)-شهر قشم)». مطالعات شهری. ۳(۱۰). ۱۵-۲۶.
- زنگی، بهنام. (۱۳۹۵). «روایت منظر در دیوارنگاری، کاربست دیوارنگاری شهری در دست‌یابی به منظر شهری انسان‌گرا». منظر. (۳۵). ۴۰-۴۹.
- فلاح، محمدصادق. (۱۳۹۷). «مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن». هنرهای زیبا. (۲۶). ۵۷-۶۶.
- کفشچیان مقدم، اصغر. (۱۳۹۵). «بررسی ویژگی‌های نقاشی دیواری». هنرهای زیبا. (۲۰). ۶۷-۷۸.
- لنگ، جان. (۱۳۸۳). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه علیرضا عینی فر. تهران: دانشگاه تهران.
- مرتضایی، سیدرضا و اصل فلاح، مهدی. (۱۳۹۷). بنیان‌های طراحی در زیباسازی شهری. تهران:

سازمان زیباسازی تهران؛ هنر و معماری قرن.

نقی زاده، محمد. (۱۳۹۵). *معماری و شهرسازی اسلامی: مبانی نظری*. اصفهان: راهیان.

نوروزی طلب، علیرضا. (۱۳۹۷). «اصول و مبانی نظری دیوارنگاری شهری: مبانی نظری هنر شهری، با

تأکید بر دیوارنگاری». مجموعه مقالات *دیوارنگاری شهری*. تهران: سازمان زیباسازی شهر تهران؛

هنر معماری قرن. ۱۷-۵۵.

نیک بخت، محسن و سیدصدر، سید ابوالقاسم. (۱۳۸۱). *دایرة المعارف معماری و شهرسازی*. تهران:

آزاده.